

دموکراسی و حقوق بشر باید مبنای اصلاح طلبی باشد

گفت وگویی دکتر غفار فرزندی با خبرنگار تبریز نیوز:

۲۷ شهریور ۱۳۸۷ ساعت ۱۸:۵۰

عمده ترین دستاورد اصلاحات تمرین دموکراسی بود. در کشورهای جهان سوم مشکل عمده همین است که کسانی که در راس قدرت هستند با استفاده از ابزارهایی که در دست دارند می خواهند هر جور شد بر سر قدرت باقی بمانند...

تبریز نیوز: سرویس سیاسی: تارنمای یاغیش: با دکتر "غفار فرزندی" دبیر نهضت آزادی شاخه تبریز، درباره فضای سیاسی کشور و انتخابات پیش روی ریاست جمهوری به گفتگو نشستیم. "فرزندی" از موضع یک فعال سیاسی ضمن موافقت کلی با راهبردهای اصلاح طلبانه، انتقادات جدی و قابل توجهی نیز بر روش کار این طیف مطرح می کند.

آقای دکتر از نظر شما به عنوان یک فعال سیاسی با تجربه آیا می توان به انتخابات ریاست جمهوری آینده برای تحولات سیاسی و اجتماعی امید بست؟

دکتر غفار فرزندی: به موجب اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعهداتی که نظام جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی پذیرفته است مشارکت در انتخابات گوناگون و تلاش برای دست یابی به قدرت سیاسی، نه تنها از جمله حقوق سیاسی و شهروندی آحاد ملت و احزاب و گروه های سیاسی است بلکه بخشی از حقوق انسانی افراد محسوب می شود. سلب این حقوق از ملت در حکم نقض آزادی ها و حاکمیت ملت است که در نهایت به تضعیف حاکمیت ملی و استقلال سرزمین ایران منجر خواهد شد. لذا انتخابات آزاد یکی از حقوق مسلم مردم است و شرکت در انتخابات آزاد، می تواند مردم را ولو اندکی در مبارزه شان برای آزادی و حقوق دموکراتیک جلو بیندازد. در آن صورت می توان برای تحولات سیاسی و اجتماعی امید بست.

راهکار اصلاح طلبان در دوانتخابات گذشته به ویژه انتخابات مجلس هشتم ائتلاف بود. ظاهرا این راهکار تا حد زیادی موفق هم بوده است. دیدگاه شما نسبت به این راهکار چیست؟

دکتر غفار فرزندی : در انتخابات مجلس هشتم، انشعابی در ائتلاف اصلاح طلبان رخ داد و به جدایی اصلاح طلبان سنتی از طیف دموکراسی خواه انجامید گویای این ضرورت است که اندیشه دموکراسی و حقوق بشر باید به عنوان مبنا و محور جریان اصلاح طلبی برای گذر از وضعیت کنونی قرار گیرد.

مهم ترین ضعف ائتلاف اصلاح طلبان در انتخابات مجلس چه بود؟

دکتر غفار فرزندی : همان طور که در سوال قبلی بیان شد واقعیت آن است که اصلاح طلبان پیشرو آشکارا دریافته اند که علت نوسازی مردم و شکست آنان در چند دوره انتخابات افزون بر وجود امکانات غیر متعارف و بسیار موثر رقیب و توسل رقیب به تمامیت خواهی به شیوه های تقلب آمیز و غیره، به فقدان اتحاد راهبردی، معرفی نامزدهای گوناگون و ضعف در تدوین و اعلام برنامه ها و مواضع از سوی اصلاح طلبان نیز مربوط می شود. اصلاح طلبان به درستی دریافته اند با آن که در انتخابات مجلس هشتم، لیست واحد نداشتند علت پیروزی قاطع آنان جذابیت برنامه های بود که به مردم وعده داده بودند؛ شعارهایی مانند اصلاح قانون مطبوعات، نظارت بر نهادهای اقتصادی زیر نظر مقام رهبری و حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان از جمله مواردی بودند که ملت را در آن دوره به مشارکت در انتخابات امیدوار می کرد.

آیا در انتخابات ریاست جمهوری هم ائتلاف می تواند راهکار خوبی باشد؟

دکتر غفار فرزندی : ائتلاف میان گروه های سیاسی در فصل انتخابات، به خصوص برای گروه هایی که هر یک به تنهایی شانسی پیروزی ندارند و یا شانسی کم تری دارند امری رایج و مقبول است. اصلاح طلبان نزدیک به حاکمیت در این راستا فعالیت کرده و می کنند. اما تا چه اندازه موفق شوند چندان روشن نیست. در انتخابات گذشته ریاست جمهوری گذشته اصلاح طلبان نتوانستند بر یک کاندیدای واحد به توفیق برسند. در نتیجه آرایششان شکسته شد و شکست خوردند.

آیا در صورتی که همه گروه های موسوم به اصلاح طلب در ائتلاف قرار گیرند شمای بیرونی آن ناهمگون و متناقض نخواهد بود؟ اساسا پیشنهاد شما برای ائتلاف و چگونگی سازماندهی آن چیست؟

دکتر غفار فرزندی : وظیفه اصلی اصلاح طلبان در شرایط کنونی حفظ و تقویت وحدت و انسجام داخلی در چارچوب اهداف و برنامه های حداقلی مشترک در راستای مطالبات تاریخی و راهبردی ملت ایران و رویارویی با انحرافات از اصول و آرمان های اولیه انقلاب است. وقت آن رسیده است که اصلاح طلبان از تجربیات گذشته و پراکندگی هایی که موجب شد تا محافظه کاران به طور یک جانبه تمام قدرت را در دست بگیرند عبرت بیاموزند و کوشش کنند خودخواهی ها، خود محوری ها و منیت هایی که موجب شکست روشنفکران و اصلاح طلبان بوده است مهار شود. لازم است این کار احترام به دیدگاه دیگران و تاکید بر وجوه اشتراک،

به جای برجسته کردن وجوه اختلاف و تفاهم بر شعارهای حداقلی برای همکاری جمعی است. این توصیه در واقع همان راهبرد و وفاق ملی است که نهضت آزادی ایران از همان سال ۱۳۸۱ به عنوان یک راهبرد ضروری برای خروج از بحران های کشور مطرح کرد.

مهم ترین بحث ائتلاف ظاهرا نامزدی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری است. نظر شما در این مورد چیست؟ آیا بدون در نظر گرفتن سایر نیروها می توان مستقیما به سراغ آقای خاتمی رفت؟ و در صورت رد صلاحیت آقای خاتمی و یا شکست ایشان در نتیجه تقلب در انتخابات چه باید کرد؟

دکتر غفار فرزندی : مهم تر از توافق و اجماع نظر بر یک کاندیدای مشترک و اینکه آیا آقای خاتمی می آید یا نمی آید مساله مدیریت انتخابات است. اصلاح طلبان باید مشخص کنند که چگونه می خواهند نظارت و کنترل بر این انتخابات انجام شود. چرا که عده ای می خواهند انتخابات را مدیریت کنند و با وضعی که می بینیم به راحتی اگر آقای خاتمی هم بیاید فرد مورد نظر را از صندوق بیرون می آورند. اما اگر همگرایی میان گروه های مختلف ایجاد شود می توان از ظرفیت ها استفاده نمود و می توان انتخابات را سالم برگزار کرد.

برخی از منتقدین حضور آقای خاتمی ریس جمهور شدن ایشان را تا حدودی بی نتیجه می دانند و دوره هشت ساله ریاست جمهوری ایشان را مثال می زنند. اولاً نظر کلی شما به عنوان یک فعال سیاسی درباره دوره حکومت آقای خاتمی چیست و ثانياً فکر می کنید حضور ایشان می تواند برای موفقیت در مسیر آزادی و قانون گرایی مثمر ثمر باشد؟ اگر پاسخ شما مثبت است احزاب اصلاح طلب و شخصیت های اصلاح طلب چه وظایفی را باید بر عهده بگیرند تا دولت سوم آقای خاتمی به موفقیت های بیشتری نایل آید؟

دکتر غفار فرزندی : عمده ترین دستاورد اصلاحات تمرین دموکراسی بوده است. در کشورهای جهان سوم مشکل عمده همین است که کسانی که در راس قدرت هستند با استفاده از ابزارهایی که در دست دارد می خواهند هر جور شد بر سر قدرت باقی بمانند. حضور ایشان در حاکمیت می تواند برای موفقیت در زمینه آزادی و قانون گرایی مثمر ثمر باشد. چرا که نه؟ منتهی باید توجه داشت سیاست ورزی به معنای باقی ماندن در قدرت نیست. یک پایه سیاست ورزی حفظ پایگاه اجتماعی است. اگر به قیمت سهم گرفتن از قدرت، پایگاه اجتماعی را از دست بدهیم به این معناست که به جای سیاست ورزی تنها قدرت ورزی می کنیم. به طور مثال قرار نبود خاتمی اقدامی خلاف قانون انجام دهد و برگزاری انتخابات مجلس هفتم به آن نحو که ایشان انجام دادند با قانون اساسی تباین داشت. لذا برگزاری انتخابات متباین با قانون را دیگر نمی توان جزو مشکلات ساختاری سیاسی به حساب

آورد. بلکه جزو مشکلات رفتار سیاسی آقای خاتمی و اصلاح طلبان محسوب می شود. این رفتار سیاسی فارغ از شهامت مدنی است و موجب خدشه دار شدن اعتماد مردم می شود.

به نظر شما مهم ترین برنامه اصلاح طلبان در صورت کسب قدرت چیست؟ این سوال به این دلیل اهمیت دارد که دولت نهم تقریباً در تمام زمینه ها نه تنها ناکام بوده بلکه عوارض بسیاری نیز بر جا گذاشته است که جبران همه آن ها در کوتاه مدت میسر نخواهد بود و باید برنامه ای بلندمدت برای آن جبران خسارات وجود داشته باشد.

دکتر غفار فرزندی: اصلاح طلبان وقتی در مقام تحلیل شکست برآمدند به اشتباه گفتند که علت شکست سخن گفتن از دموکراسی و عدم توجه به معیشت بوده است. سوال این است مگر علت اقبال مردم به خاتمی سر دادن شعارهای معیشتی بوده است؟ مردم به چیز دیگری رای داده بودند که همان چیز بعد از مدتی در اصلاح طلبان مفقود شده بود. آن هم صداقت در عرصه سیاست بود. بنابراین باید مردم را جدی گرفت و مشکلات و موانع را بیان نمود و از آن ها کمک گرفت.

آقای دکتر بدون تعارفات معمول نظرتان را درباره نقش احزاب در برنامه ریزی برای ائتلاف و پس از ائتلاف بفرمایید. واقعیت آن است که برخی احزاب با تعداد اعضای کم تر از انگلستان یک دست و احزابی گسیخته و بدون چارچوب و محتوا در برخی مواقع صحنه گردان شده اند. به نظر من حذف این احزاب از بازی با حفظ شان احزاب بیشتر به نفع است. کم کم می کنند تا بها دادن به آن ها.

دکتر غفار فرزندی: متأسفانه در داخل دوم خرداد، آدم هایی که با یکدیگر ۱۸۰ درجه اختلاف نظر دارند قادر نیستند وحدتی را شکل دهند که مفید باشد و بتواند موقعیت سیاسی آن ها را تقویت کند. از درون جبهه اصلاحات مدام نشانه های نفاق بیرون می آید. به خصوص در کشوری که همه رسانه ها در اختیار طرف مقابل است. این وحدت شکننده، پاشنه آشیل گروه های اصلاح طلب می شود. اصولاً احزاب دارای برنامه هایی با حدود حداقلی و حداکثری هستند و طبیعی است که گروه های مختلفی که با نیت ائتلاف وارد انتخابات می شوند روی یک برنامه حداقلی توافق کنند.

ظاهراً در برنامه ریزی برای ائتلاف اصلاح طلبان مانند اکثر پدیده های سیاسی و اجتماعی ساختاری عمودی و از تهران به شهرستان تعبیه شده است. به نظر شما این ساختار می تواند پاسخ گوی نیازهای امروز جامعه باشد؟ اگر نیست آیا نباید سهم موثری به استان ها در سازماندهی و برنامه ریزی این امور داده شود؟ شما که در اوایل انقلاب مسئولیت های مهمی در استان داشته اید و در سه دهه گذشته به صورت فعال در مسایل سیاسی حضور داشته اید پتانسیل استان را در چنین برنامه ریزی هایی تا چه حد ارزیابی می کنید؟

دکتر غفار فرزندی : فعالان سیاسی استان ها باید در مرحله اول حول محور دموکراسی و حقوق بشر جمع شده و با توجه به بلوغ سیاسی و تکیه به اشتراکات به کارهای جمعی دست زنند و با دعوت از افراد تاثیرگذار در مرکز و تعامل با آن ها تلاش نمایند تا کلیه اصلاح طلبان و تحول خواهان را به فعالیت جمعی وادارند و از هر گونه تقابل، خودمحوری و تکروی که مایه شکست جنبش دموکراسی است خودداری نمایند.